

نبوغ در همهٔ ما

۴۲۷.۷۲۰

www.ketab.ir

نویسنده: دیوید شنک



مترجم: بهناز کمالی

سرشناسه	شنک، دیوید، ۱۹۶۶-م	David shenk
عنوان	نبوغ در همه ما	
مشخصات نشر	ناشر مترجم، ۱۳۹۴	
مشخصات ظاهری	۱۴۵ص	
وضعیت فهرست نویسی	فیبای مختصر	
یادداشت	فهرست نویسی کامل اثر در نشانی http://opac.nlai.ir	
یادداشت	بهناز کمالی	
شماره کتابشناسی ملی	۳۷۸۶۸۲۴:	

www.ketab.ir

عنوان: نبوغ در همه ما
 نوشته: دیوید شنک
 ترجمه: بهناز کمالی
 نوبت چاپ: اول - ۱۳۹۴
 قیمت: ۹۰۰۰۰ ریال
 شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۰۴-۲۳۸۷-۲
 Behnaz.kamali@yahoo.com
 تلفن: ۰۹۱۲۳۹۵۵۰۰۲

کلیه حقوق چاپ و نشر و پخش به هر صورت (اعم از ذخیره رایانه ای و جزوه و کپی) محفوظ و مخصوص ناشر است. هر گونه کپی برداری و نقل مطلب بدون اجازه ناشر پیگیری قانونی دارد.

دیوید شنک با کلامی متقاعدکننده و نافذ، اسطوره "موهبت" ژنتیکی را بی اعتبار کرد، انسان قربانی دی ان ای نیست، عظمت و بزرگی در دسترس همگان است.

دیوید شنک: "اعتقاد به ژن، استعداد و هوش را کنار بگذارید. شواهد و تحقیقات بی شمار اخیر الگویی کاملاً متفاوت پیش روی ما قرار می دهد: و آن کثرت استعداد است نه قلت آن"

سخنان شنک آینه ای از واقعیت و استدلال است، و پرتو خیره کننده تحقیقات علمی جدید را می نمایاند. تامل عظمت و بزرگی خصیصه نوع بشر است؛ و مختص برگزیدگان انگشت شمار نیست. نقص ژنتیکی عامل ناتوانی فرد نیست. تاکنون با بهره گیری از داشته هایمان عمل کرده ایم. آزمون های هوش و اتفاق نظر بر توانایی های "ذاتی" بدینی خاصی را نسبت به نوع بشر القا کرده و با راهنمایی نادرست سیاست عمومی و تحصیلی را به گمراهی کشانده است.

شنک با یکپارچه کردن نتیجه تحقیقات گوناگون در حوزه های علوم شناختی، ژنتیک، زیست شناسی و رشد کودک تصویری بسیار خوش بینانه از توانایی های بشر ارائه می دهد. ژن "الگوی اولیه" ای نیست که اکثریت را به متوسط بودن محکوم کند؛ ژن از عوامل پویای فرایند پیچیده رشد است. فرایند پویایی که ما به عنوان شخص و والد قادریم بر آن تأثیر بگذاریم.

پیام متحولانه این است که: اسیر زن نیستیم و توان موفقیت را داریم.

در مقایسه با آنچه باید باشیم، فقط نیمه همشیاریم. انگیزه‌مان فروکش کرده و ارا به‌مان متوقف شده است.

فقط نسبی از منابع جسمی و ذهنی‌مان را به کار می‌بریم... به بیانی وسیع‌تر، بشر کمتر از توان خود زنده‌گی می‌کند.

ویلیام جیمز

www.ketab.ir

بخش اول: اسطوره موهبت

۱۰

فصل یک

ژن‌ها ۲۰- کارکرد واقعی ژن

برخلاف تصورمان ژن تنها تعیین کننده خصوصیات جسمی و شخصیتی افراد نیست. ژن‌ها طی فرایندی بویا و مداوم، در تعامل با محیط، پیوسته خصوصیات جسمی و شخصیتی شخص را تغییر می دهند.

۲۸

فصل دو

هوش فرایند است، نه شی و موقعیت

هوش شایستگی ذاتی نیست، سخت افزاری لقای یا رحم نیست. بلکه مجموعه‌ای از مهارت‌های پرورش یافته است که از تعامل ژن و محیط حاصل می شود. هیچ کس با میزان مشخص و تعیین شده ای از هوش متولد نمی شود. هوش و (نمره آی کیو) قابل ارتقاء است. افراد معدودی به هوش بالقوه خود نزدیک می شوند.

پایان "ماهیت ذاتی" (منابع واقعی استعداد)

استعداد نیز، همچون هوش، ذاتی نیست. بلکه حاصل انباشتگی نامحسوس و پرورش تدریجی مهارت‌هایی است که از لحظه لقاح آغاز می‌شود. هر کس با خصوصیات و برتری‌های منحصر به فردی در برخی امور متولد می‌شود. و برخی نیز برتری‌های خاصی در بعضی امور دارند. اما الگوی ژنتیکی هیچ کس برتری وی را تعیین نمی‌کند. از طرفی هم فقط عده معدودی از افراد به واسطه موانع زیستی هرگز به برتری نمی‌رسند.

فصل چهار

۶۱

شبهات و تفاوت‌های دو قلوها

اغلب دو قلوهای یکسان بنا به دلایلی به جز نیم رخ ژنتیکی شبهات‌های چشم‌گیری دارند. ممکن است تفاوت‌های شگفت (دور از نظر) هم داشته باشند. دو قلوها نمونه جالب تعامل خیره‌کننده ژن و محیط هستند؛ اما این موضوع در مطالعات "وراثت‌پذیری" به اشتباه تفسیر شده است. در واقع، مطالعه دو قلوها نه تأثیر مستقیم ژنتیک را مشخص می‌کند. و در مورد توانایی بالقوه افراد چیزی نمی‌گوید.

نابغه‌ها و نارس‌ها

معمولاً کودکان نابغه بالغین موفق نمی‌شوند. با شناخت عوامل آشکارکننده توانایی‌های خارق‌العاده در مرحله‌ای از زندگی افراد بینش عمیقی از ماهیت استعداد حاصل می‌شود.

آیا سفیدپوستان هم می‌توانند بپرند؟ قومیت، زن، فرهنگ و موفقیت

موفقیت‌های قهرمانی پی‌درپی قومی و جغرافیایی احتمال برتری ژنتیکی خاصی را برانگیخت. برتری واقعی در حاله‌ای از ابهام است اما دست‌نیافتنی نیست.

بخش دوم: پرورش استعداد

نابغه شدن (عالی محض)

از انگاره قدیم طبیعت - تربیت این طور برمی‌آید که کنترل زندگی بین زن‌ها (طبیعت) و اراده (تربیت) تقسیم شده است. در واقع بیش از آنچه که بر محیط تسلط داشته باشیم بر زن‌هایمان کنترل داریم.

چگونه کودک را تباه کنیم (یا در وی جان تازه بدمیم)

فرزندپروری نقش مهمی دارد. والدین می‌توانند با تشویق و ترغیب و اجتناب از برخی خطاها موفقیت فرزندانشان را تضمین کنند.

چگونه فرهنگ موفقیت را پرورش دهیم

جامعه نباید موفقیت برتری و کمال را به والدین و ژن‌ها محول کند؛ جامعه هم موظف است در مهمیزسازی موفقیت شهروندانش دخالت کند. هر جامعه‌ای باید در جهت پرورش ارزش‌ها بکوشد تا خصوصیات ارزشمند در مردمش رشد کند.

ژن‌های خود را پرورش دهیم

تا مدت‌ها تصور می‌شد که سبک زندگی وراثت را تغییر نمی‌دهد. اما معلوم شد که می‌تواند... / اما نتیجه عکس این را نشان می‌دهد...

«اینکه دنیا را کمی بهتر از آنچه تحویل گرفته ای تحویل دهی

«خواه با باغچه ای سرسبز، خواه با کتابی خوب، یا با اندکی

بهبودی در شرایط اجتماعی

«و با اطمینان از اینکه فقط یک نفر با بودن تو راحت تر نفس

می کشد و راحت تر زندگی می کند

«یعنی تو موفق شده ای (گابریل گارسیا مارکز)

پیشگفتار

تد ویلیام ستاره بیسیال و توپ زن خارق العاده زمان خود بود. جان آپدیک ۱۹۶۰ در نشریه ای نوشت: از هر یک میلیون نفر یکی مثل تد می شود. به یاد دارم در یکی از مسابقات داخلی در شیب پترک تد از بالای سر اولین بازیکن گذشت و با دقت تمام به طور عمود بالا پرید. مسیر پرتاب توپ او با پرتاب بقیه کاملاً تفاوت داشت."

ویلیام در نظر عامه "ابریسان"ی با مجموعه ای از برتری های ذاتی جسمی بود. هماهنگی خارق العاده چشم و دست، ظرافت عضلانی بی نظیر و شرم فوق العاده او مشهور خاص و عام بود. به عقیده دُورف دومین بیسیالست برتر، هال اف فیم "توانایی تد ذاتی بود. تد در این نوع توپ زنی سرآمد بود." بینایی لیزر مانند از خصوصیاتش بود که به تد کمک می کرد به محض خارج شدن توپ از انگشتان پرتاب کننده محل فرود آن را تشخیص دهد. کوپ می گفت: "تد توپ را از بقیه بیشتر می دید."

اما تد ویلیام راز موفقیتش را تمرین زیاد می دانست. "هیچ چیز به جز تمرین چنین مهارتی را ایجاد نمی کند. علت دید زیاد شور و احساس است... این تنظیم خوب است نه دید خوب."

آیا ممکن است؟ آیا فردی عادی با آموزش و تمرین می تواند تبدیل به پدیده ای فوق العاده شود؟ همه با خصوصیت سخت کوشی آشنایم، اما آیا واقعاً تلاش حرکت های ناهماهنگ را

به حرکاتی با شکوه و زیبا مثل حرکات تایگر وودز یا مایکل جردن بدل می کند. آیا مغز عادی قابلیت آن را دارد که به قدری توسعه یابد که همچون مغز آلبرت انشتاین (فیزیکدان آلمانی الاصل) یا هانری ماتیس (نقاش فرانسوی) بینش و موشکافی های بدیع را فراخواند؟ آیا برتری های واقعی از منابع و ژن های معمولی قابل حصول هستند؟

به عقیده عامه مردم فقط برخی انسان ها با استعداد خاصی متولد می شوند، و نه همه ؛ استعداد و هوش زیاد همچون گوهری کمیاب، در دریای ژن انسانی پراکنده است ؛ و بهترین کاری که می توان انجام داد یافتن و صیقل دادن این گوهرها و قبول محدودیت های دیگران است.

اما فراموش کردند بگویند که استعداد در جریان است، به ویلیام تد در طی کودکی بقیه توانایی های طبیعی اش را که همچون گل زیر آفتاب منفعلانه پژمرده می شد نادیده می گرفت. زیرا او فقط می خواست نیاز داشت - بهترین توپ زن زمان باشد. او با اشتیاق تمام هدف را دنبال می کرد. دوست کودکی تد می گفت "همیشه چماق دشتش بود... وقتی تصمیم می گرفت کاری انجام دهد اول دلیلش را جستجو می کرد."

به یاد دارم ویلیام سال های متعادی هر روز از صبح، در زمین نورت پارک سنتیگو که با خانه محقر والدنش دو بلوک فاصله داشت، شروع به توپ زدن می کرد. آنقدر توپ می زد تا پوسته خارجی توپ، پاره می شد. با جوب شکسته ساعت ها ضربه می زد تا از انگشتان تاول زده و مجش خون جاری می شد. کودکی از طبقه کارگر بدون پول توپ جیبی اضافی حاضر بود با دادن پول غذای خود به همکلاسی هایش آن ها را اجیر کند تا توپ پرتاب کنند و او ضربه های بیشتری بزند. از شش، هفت سالگی از صبح تا شب، یعنی تا زمانی که چراغ های پارک خاموش شود، در نورت پارک به توپ ضربه می زد؛ بعد از آن هم در خانه جلوی آینه به روزنامه گلوله کرده ضربه می زد تا خوابش ببرد. و روز بعد همه این کارها را تکرار

می‌کرد. به عقیدهٔ دوستانش وارد مدرسه شد تا در تیم بازی کند. بعد از فصل بازی بیسبال بچه‌ها وارد تیم‌های بسکتبال و فوتبال می‌شدند؛ اما ویلیام همچنان به بیسبال چسبیده بود. هنگامی که پسرهای دیگر با دوستانش قرار می‌گذاشتند، ویلیام همچنان در زمین بازی توپ می‌زد. او برای تقویت دیدش در خیابان با یک چشم باز راه می‌رفت و سپس با چشم دیگر تکرار می‌کرد. تناثر نمی‌رفت چون شنیده بود چشم را ضعیف می‌کند. ویلیام بعدها می‌گفت: "چون آرزو داشتم توپ زن شوم؛ هیچ چیز نمی‌توانست مانع رسیدن به هدفم شود. وقتی به گذشته... نگاه می‌کنیم ماجرا مثل افسانه است."

به عبارت دیگر او فقط یک فکر بیشتر در سر داشت و آن توپ زن شدن بود. مربی دبیرستانش می‌گفت: "او فقط فکری را که در سر داشت دنبال می‌کرد."

برتری و نبوغ برای ویلیام نازل نشده بود، بلکه فرایند بود.

ویلیام پس از حرفه‌ای شدن هم تمرین را ادامه داد. مربی اولین لیگ ویلیام، شلنیک، می‌گفت: متوجه شدم که عضو جدید صبح اولین کسی است که وارد زمین می‌شود و تمرین را شروع می‌کند و شب آخرین کسی است زمین را ترک می‌کند. و عجیب‌تر این که بعد از هر بازی ویلیام از من می‌خواست که توپ‌های بازی را به او بدهم.

سرانجام شلنیک از او پرسید: "با توپ‌های بیسبال چه می‌کنی آیا آن‌ها را به بچه‌های همسایه می‌فروشی؟"

ویلیام جواب داد: "نه آقا، آن‌ها را برای تمرین اضافه بعد از شام می‌خواهم."

هضم این حرف برای مربی سنگین بود چون ویلیام تمام روز را تمرین می‌کرد. بعدها گفت

به دلیل کنجکاوی و برطرف شدن شکم "یک شب پس از شام پریدم تو ماشین و به زمین بازی حوالی خانه ویلیام رفتم و دیدم او در زمین بازی به توپ‌ها ضربه می‌زند. کودکی برای ند توپ پرت می‌کرد و ند ضربه می‌زد. یکی از توپ‌ها بیرون افتاد و من آن را پرت کردم."

حتی بین حرفه‌ای‌ها هم کسی با انگیزه تر از ویلیام نبود و تماشاچیان این را احساس می‌کردند. جیم برایم و بیل نیولین زندگی‌نامه نویس چنین نوشتند "هنگام گفتگو با حریف در مورد زدن توپ از تکنیک‌های توپ‌زنی می‌پرسید و آن‌ها را گنج می‌کرد. او برای اینکه بهترین توپ زن تیم باشد از کوب، هورنزیای و دیگران سوال می‌کرد."

دورست نقل می‌کرد: "بار اول که تونی را دید گفتم "او نمی‌تواند توپی پرت کند که من نتوانم بگیرم."

فرایند. ند پس از یک دهه تلاش در نورت پارک و چهار سال کار سخت در نیم‌های کوچک در ۱۹۳۰ به عنوان توپ زن حرفه‌ای وارد لیگ شد. در ۱۹۴۱ بزرگ‌ترین بازیکن لیگ قرن بیستم در حوزه خودش شد.

۱۹۴۲ خلبان ارتش شد.

آزمایش دید فوق‌العاده او را، در بین انسان‌ها، تأیید کرد.

...

طی قرن بیستم چه اتفاقی برای ویولنیست‌های جهان روی داد. چگونه قوی سیقت از رقابای پیشین ربودند؟

با ارزیابی پاگانی نی (آهنگساز و ویولونیست ایتالیایی) و باخ به این نتیجه رسیدیم. در قرن

هجدهم کسی قادر به چنین اجرایی نبود. در حالی که امروزه تعداد زیادی از دانشجویان رشته موسیقی آن را می‌نوازند.

چگونه این اتفاق افتاد؟ چگونه دونده‌ها، شناگران، شطرنج‌بازان و تنیسورها این چنین ماهر شدند؟ این عملکرد را نمی‌توان فقط به ژن نسبت داد. اگر انسان پشه میوه بود و هر یازده روز تولید مثل می‌کرد می‌توانستیم این پیشرفت را به ژن و تحول سریع نسبت دهیم. اما تحول و ژن این پیشرفت را توجیه نمی‌کند.

توضیح ساده و خوبی وجود دارد که هضم آن برای عموم جامعه دشوار است. و آن این است که: عده‌ای با تمرین زیاد و فشرده ماهر شده‌اند. پیشرفت کردیم چون راه بهتر شدن را یافتیم.

استعداد فرایند است؛ نه شیء.

نصیر ما از استعداد تفاوت کرده است. عباراتی مثل "ناپخته است"، "ژن خوبی دارد"، "توانایش ذاتی است" و "[دونده/شوت ژن/نقاش/نوازنده] متولد شده است" بیانگر آن است که جامعه ژن را منبع استعداد می‌داند. چیزی که شخص با آن را دارد یا ندارد گسست هوش یا دیگر تست‌های سنجش توانایی مشابه آن را نشان می‌دهد. ساختار مدرسه و تحصیل بر پایه آن بنا شده است. نویسندگان و محققان متوقفاً آن را تصدیق کرده‌اند. الگوی موهبت ژن نقطه عطف دانسته‌های ما از ماهیت انسان شد. این که آموخته‌هایمان در مورد دی‌ان‌ای و تحول متناسب است: ژن دستورکاری است که ماهیت ما را تعیین می‌کند. ژن‌های مختلف از

ما فردی متفاوت با توانایی‌های متفاوت می‌سازند. جهان با وجود افرادی متفاوت همچون میشل جردن، بیل کلیتون و شما چه سرانجامی دارد؟

اما مفهوم موهبت بودن زن از دور خارج خواهد شد. اثبوت شواهد علمی دهه‌های اخیر الگوی کاملاً متفاوتی را تداعی می‌کند: الگوی کثرت استعداد نه قلت آن. در این مفهوم استعداد و هوش انسانی مثل ذخایز فسیلی اندک نیست، بلکه همچون نیروی باد پُر توان و با انرژی است. شکلی دستیابی محدود ژنتیکی نیست، بلکه عجز در رسیدن به قله‌های افتخار است.

نمی‌خواهم بگویم که تفاوت‌های ژنتیکی مهمی که موفقیت و شکست را دامن می‌زند وجود ندارد. البته که وجود دارد و ماندگار است. اما به بیان علم نوین فقط افراد معدودی مفهوم "پتانسیل نهفته" را می‌دانند. الگویی که نگاه خوشبینانه به نوع بشر دارد. استفان سه سی^۱ روان‌شناس رشد دانشگاه کورنل نوشت "در حال حاضر نمی‌توانیم میزان پتانسیل نهفته موجود در افراد را بسنجیم." بنابراین منطقاً نمی‌توانیم وجود این توانایی را در طبقات محروم اثبات کنیم. افراد ناموفق را نباید زندانی دی‌ان‌ای دانست، آن‌ها فقط قادر نبوده‌اند توانایی‌های بالقوه‌شان را بالفعل کنند.

این الگوی جدید فقط پیش‌تاز تحول از "طبیعت" به "تربیت" نیست. بلکه افشاگر شکستی است که بشر به واسطه عبارت "طبیعت به جای تربیت" متحمل شده است. و تأمل در این موضوع که چگونه هر یک از ما این شده‌ایم که هستیم. بنابراین، این کتاب با ارایه توصیف نوین و متفاوت از نحوه کار کردن آغاز می‌شود و با بررسی دقیق ساختار جدید استعداد و هوش ادامه می‌یابد. در کل در تصویر نوین فرایند رشد ما به عنوان شخص، خانواده و جامعه

^۱ Stephen Ceci

استعداد پرور می توانیم ، با کنترل دقیق عوامل تاثیر گذار، دخل و تصرف کنیم و امیدوار باشیم که الگوی نوین ما را به تحقیق بیشتر وادارد.

تصور اینکه هر کسی قادر است هر کاری بکند و هر چیزی شود، بخردانه نیست؛ این کتاب هم در پی چنین تبیینی نیست. اما براساس دانش جدید متوسط دانستن اکثریت مردم نیز احمقانه است. به علاوه هیچ کس پیش از اینکه نهایت تلاش خود را بکند و پیش از اینکه در امری استقامت کند نمی تواند توانایی هایش را محک بزند. توانایی افراد زیر سنگ زن پنهان نشده است. توانایی های انسان تا پیش از بلوغ قابل انعطاف است. کودک در هر سنی با توسل به تواضع، امید، اراده و عزم فوق العاده می تواند به اوج توانایی هایش برسد.